

۱۳۸۱  
۵، ۱۱، ۹۴

# سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران چارچوبها و جهت گیریها

تألیف

دکتر علیرضا ازمنانی

استاد علم سیاست دانشگاه شهید بهشتی

ویرایش جدید



سرشناسه	: ازغندی، سید علیرضا، ۱۳۲۰-
عنوان و نام پدیدآور	: سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران: چارچوب‌ها و جهت‌گیری‌ها.
مشخصات نشر	: تهران: نشر قومس، ۱۳۹۴.
مشخصات ظاهری	: ۲۹۶ ص:، ۱۴/۵×۲۱/۵ س.م.
شابک	: 978-964-8811-60-5
وضعیت فهرست‌نویسی	: فیبای مختصر.
یادداشت	: فهرست‌نویسی کامل این اثر در نشانی: <a href="http://opac.nlai.ir">http://opac.nlai.ir</a> قابل دسترسی است.
یادداشت	: چاپ سوم.
یادداشت	: کتابنامه.
یادداشت	: نمایه.
شناسه زوده	: عباسی، مهدی، ۱۳۵۴-، ویراستار.



- ★ نام کتاب: سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران (چارچوب‌ها و جهت‌گیری‌ها)
- \* مؤلف: دکتر علیرضا ازغندی
- \* ویراستار: مهدی عباسی
- \* طرح جلد: محدثه موسوی
- \* شابک: ۵-۶۰-۹۶۴-۸۸۱۱-۹۷۸
- \* حروفچینی و صفحه‌آرایی: حروفچینی هُما (امید سیدکاظمی)
- \* نوبت چاپ: سوم
- \* سال چاپ: ۱۳۹۴
- \* تیراژ: ۱۰۰۰ جلد
- \* لیتوگرافی، چاپ و صحافی: سعید دانش
- \* ناشر: نشر قومس، تهران: خیابان انقلاب، خیابان دانشگاه
- پایین‌تر از لبافی‌نژاد، کوچه بهار، شماره ۱۱
- \* تلفن و نمابر: ۶۶۴۷۰۱۶۲-۶۶۴۷۰۱۵۳-۶۶۴۷۰۱۵۳-۶۶۴۷۰۱۵۳
- \* صندوق پستی: ۱۳۹۱-۱۳۱۴۵
- \* نشانی اینترنتی: [www.ghoomes.com](http://www.ghoomes.com)
- \* قیمت: ۱۵۰۰۰۰ ریال

## فهرست مطالب

۸ پیوسته

### بخش اول

۱۴-۱- عبوری‌های سیاست خارجی ایران؛

۱۴-۲- خصصت محور - ایران شمول

۱۴ مقدمه

۱۶ فصل اول: مصدق و موازنه منفی

۱۶ مقدمه

۱۷ ۱- چستی موازنه منفی

۱۸ ۲- موازنه منفی و توازن سیاسی

۲۱ ۳- ضرورت تأسیس حکومت ملی - دموکراتیک

۲۳ ۴- استقلال و طرد سلطه خارجی

۲۹ فصل دوم: محمدرضا پهلوی و موازنه مثبت

۲۹ مقدمه

۳۱ ۱- ناسیونالیسم مثبت - سیاست مستقل ملی

۳۴ ۲- نوسازی فراگیر اجتماعی و توسعه صنعتی

۳۸ ۳- ناسیونالیسم مثبت و سیاست خارجی

فصل سوم: سیاست نه شرقی و نه غربی

- ۴۲ مقدمه
- ۴۲ ۱- سیاست نه شرقی و نه غربی به چه معنی است؟
- ۴۳ ۲- خصوصیات ولایت فقیه به عنوان بالاترین مرجع تصمیم‌گیری
- ۴۴ ۳- نظم جهانی اسلام و وحدت مسلمین
- ۴۶ ۴- استکبارستیزی
- ۴۷ پانوشته‌های بخش اول
- ۵۰

بخش دوم

مکاتب مختلف روابط بین‌الملل و  
سیاست خارجی جمهوری اسلامی

- ۵۶ مقدمه
- ۵۹ فصل چهارم: آرمان‌گرایی
- ۵۹ مقدمه
- ۶۱ ۱- قانون اساسی جمهوری اسلامی و سیاست خارجی
- ۶۲ ۲- امت واحده جهانی
- ۶۳ ۳- نفی هرگونه سلطه‌جویی و سلطه‌پذیری
- ۶۵ ۴- میرحسین موسوی و آرمان‌گرایی اسلامی
- ۶۹ فصل پنجم: واقع‌گرایی
- ۶۹ مقدمه
- ۶۹ ۱- اصول کلی نظریه واقع‌گرایی از دیدگاه هانس مورگنتا
- ۷۲ ۲- نوواقع‌گرایی کنت والتز
- ۷۴ ۳- نوواقع‌گرایی ساختاری و سیاست خارجی جمهوری اسلامی
- ۸۴ فصل ششم: سازنده‌گرایی
- ۸۴ مقدمه
- ۸۵ ۱- عوامل ظهور و حضور سازنده‌گرایی در روابط بین‌الملل
- ۸۷ ۲- رویکرد سازنده‌گرایی در روابط بین‌الملل

۹۰	۳- سازنده‌گرایی از دیدگاه الکساندر ونت
۹۳	۴- سیاست خارجی جمهوری اسلامی از دیدگاه رویکرد سازنده‌گرایی
۹۷	پانویشت‌های بخش دوم

### بخش سوم جهانی شدن و سیاست خارجی

۱۰۲	مقدمه
۱۰۴	فصل هفتم: پدیده جهانی شدن
۱۰۴	۱- رونق‌دهای جهانی شدن
۱۰۷	۲- تنش‌زدایی
۱۰۹	فصل هشتم: جهانی شدن و سیاست خارجی
۱۱۰	۱- الزامات داخلی
۱۱۳	۲- تحمیلات بین‌المللی
۱۱۹	فصل نهم: جهانی شدن و سیاست‌های اقتصادی ایران
۱۲۰	۱- مفهوم جهانی شدن از بُعد اقتصادی
۱۲۳	۲- جهانی شدن اقتصاد و کشورهای در حال توسعه
۱۲۶	۳- واکنش‌های مالی-اقتصادی ایران
۱۳۴	پانویشت‌های بخش سوم

### بخش چهارم سیاست خارجی دولت نهم و ۱۰

۱۳۸	مقدمه
۱۴۰	۱- علل و چگونگی به قدرت رسیدن محمود احمدی‌نژاد
۱۴۴	۲- مبانی ارزشی کارگزاران جدید حکومتی
۱۴۸	۳- دولت نهم و دهم و سیاست خارجی اصول‌گرایانه
۱۵۶	پانویشت‌های بخش سوم

بخش پنجم  
گونه‌شناسی و ویژگی‌های نخبگان وزارت امور خارجه

۱۶۱	مقدمه
۱۶۵	فصل دهم: گونه‌شناسی دیپلمات‌ها
۱۷۸	۱- خاستگاه طبقاتی کارگزاران جدید وزارت امور خارجه
۱۸۲	۲- منشأ اجتماعی دیپلمات‌ها
۱۸۶	۳- ویژگی‌های رفتاری و اخلاقی نخبگان وزارت امور خارجه
۱۹۱	فصل یازدهم: وضعیت آموزشی و میزان تحصیلات دیپلمات‌ها
۱۹۲	۱- وضعیت دیپلمات‌های ایران عصر ناصری
۱۹۵	۲- چگونگی تأسیس رشته تربیت دیپلمات
۱۹۶	۳- دانش‌آموختگان مدرسه سیاسی
۲۰۲	۴- وضعیت آموزشی دیپلمات‌های عصر پهلوی‌ها
۲۰۴	۵- وضعیت آموزشی دیپلمات‌ها در جمهوری اسلامی
۲۰۷	فصل دوازدهم: ساختار و اهداف وزارت امور خارجه
۲۰۷	۱- ساختار و اهداف وزارت امور خارجه در سال‌های قبل از مشروطیت
۲۱۲	۲- ساختار و اهداف وزارت امور خارجه در عصر مشروطیت
۲۱۶	۳- ساختار و اهداف وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی
۲۲۰	پانویس‌های بخش پنجم

بخش ششم  
بررسی آثار پژوهشی درباره سیاست  
خارجی جمهوری اسلامی

۲۲۷	مقدمه
۲۳۰	فصل سیزدهم: پوزیتیویسم، شناخت مسلط پژوهش‌های سیاست خارجی ...
۲۳۰	۱- چیستی پوزیتیویسم
۲۳۱	۲- پوزیتیویسم در روابط بین‌الملل
۲۳۶	۳- پوزیتیویسم و سیاست خارجی جمهوری اسلامی
۲۴۲	۴- ارزیابی نهایی

## فصل چهاردهم: دیدگاه‌های غیر تحصیلی بررسی سیاست خارجی

- ۲۴۴ ۱- رویکرد گفتمانی
- ۲۴۴ الف - گفتمان به چه معنی است؟
- ۲۴۶ ب - از مشاهده عینی تا واکاوی معنا
- ۲۴۸ ج - تحلیل گفتمان و سیاست خارجی جمهوری اسلامی
- ۲۵۰ ۱. گفتمان ملی‌گرایی مصلحت‌محور
- ۲۵۱ ۲. گفتمان آرمان‌گرایی انقلابی
- ۲۵۲ ۳. گفتمان عمل‌گرایی اقتصادی
- ۲۵۴ ۴. گفتمان عمل‌گرایی سیاسی-فرهنگی
- ۲۵۵ ۱-۱. جرد تلفیقی آرمان‌گرایی - واقع‌گرایی
- ۲۵۵ الف - آرمان‌گرایی واقع‌نگر
- ۲۵۹ ب - آرمان‌گرایی واقع‌بینانه
- ۲۶۰ پانویشت‌های بخش هشتم

## پیوست

- ۲۶۶ سیدحسین مدرس و بازیابی در سیاست موازنه عدمی
- ۲۶۶ مقدمه
- ۲۶۷ موازنه عدمی به چه معنی است؟
- ۲۷۰ ۱- اتکا به ملت و مجلس
- ۲۷۱ ۲- اصلاحات صنعتی و علمی
- ۲۷۳ ۳- مخالفت با قرارداد ۱۹۱۹
- ۲۷۴ ۴- داشتن دیپلمات‌های کارآمد
- ۲۷۵ پانویشت‌ها
- ۲۷۷ □ منابع و مأخذ
- ۲۸۷ □ نمایه

## پیشگفتار

هرچند که مناسبان بین ملت‌ها و کشورها و مراودات بین اقوام سابقه‌ای به قدمت تاریخ تشکیل جوامع انسانی دارد، اما اعتقاد بر این است که سیاست خارجی اساساً ماهیتی غربی و جدید و در فرآیند مدرنیته و دیپلماسی با مبانی و الزامات دولت ملی مطرح و محقق شده است. بدین اعتبار ۱- جهت‌گیری سیاست خارجی باید بدون در نظر گرفتن ماهیت و سنخ و نقش دولت در تطور تاریخی، سبببیر، راه‌ریزی شده درازمدت تلقی شود که حکومت‌ها در روابطشان با سایر حکومت‌ها، کشورها، سازمان‌ها به کار می‌گیرند و ۲- سیاست خارجی با محوریت قدرت و به مثابه ویژگی حاکمیت اقدام سیاسی هم دربرگیرنده جهت‌گیری یک کشور و هم حاوی ابزارهای مختلف تحت موقفات آموخته جهت‌گیری معنی می‌دهد. به عبارت دیگر سیاست خارجی مجموعه خط مشی، راه‌ریزی، گزینش و اتخاذ مواضع و ابزارهایی است که کشورها در برخورد با امور و مسائل خارجی در چارچوب اهداف کلی حاکم بر نظام سیاسی، یعنی حفظ استقلال و حاکمیت ملی، راه‌ریزی، تأمین امنیت و کسب اعتبار بین‌المللی اعمال می‌نمایند. در واقع سیاست خارجی بخش حائز اهمیتی از سیاست کلان حکومتی را تشکیل می‌دهد که از عرف و عادت و یا از مقررات و قواعد مندرج در قانون اساسی تبعیت خواهد کرد. بنابراین بدیهی است تحت تأثیر دگرگونی‌های اجتماعی اصلاح‌طلبانه و یا انقلابی، سیاست خارجی نیز دستخوش تحول و تغییراتی در اصول، بینش و روش گردد. با در نظر گرفتن تغییرات سیاسی و اجتماعی دگرگون‌ساز و سرنوشت‌سازی که بیش از سه دهه در ایران رخ داده، مطالعه جهت‌گیری‌های سیاست خارجی جمهوری اسلامی چارچوب و هدف اصلی این کتاب را تشکیل می‌دهد. توجه برخی از کارگزاران حکومتی ایران به بازنگری در مبانی فکری و طرح پرسش‌های



اساسی و تأکید آنان بر ضرورت طرح و تدوین نظرات جدید و تلاش در تطبیق آنها با شرایط و الزامات اجتماعی و سیاسی جامعه ایران از ویژگی‌های بارز تحولات سیاسی در یک قرن اخیر بوده است. با توجه به اینکه محوریت و کانون تمام بحث‌ها را قدرت و چگونگی اعمال آن تشکیل می‌دهد، بدین خاطر عرصه سیاست را باید به مثابه یکی از حوزه‌های کلیدی در بروز وقایع و تحولات سیاسی و اجتماعی ایران و به عنوان یکی از موضوعات مهم منازعات سنت و مدرنیسم تلقی کرد. کوشش‌های دامنه‌دار و جدی که بسیاری از کارگزاران و شخصیت‌های سیاسی با طرح ایده‌ها و نظرات خود جهت دستیابی به جایگاه فرادستی در صحنه سیاست و یا حداقل تأثیرگذاری بر فرآیند تصمیم‌گیری و اجرایی دستگاه حکومتی صورت داده‌اند، در سیاست و روابط خارجی در مراحل و دوره‌های مختلف تاریخی بازتاب‌های گوناگونی داشته است. بدین خاطر برای فهم درست رفتارهای سیاست خارجی و موفقیت‌ریا ناسامی در صحنه دیپلماسی در تحقق اهداف ملی، لازم است فرایندهای تاریخی و نقش‌های اساسی را از اینگونه مورد مذاقه، مطالعه و بررسی قرار داد.

سیاست و روابط خارجی ایران از مشروطیت تا به امروز را به چند دوره با سرفصل‌ها و جهت‌گیری‌های مختلف تقسیم می‌کنند. در دوره اول مشروطیت، (۱۳۰۴-۱۲۸۵) با جامعه‌ای کاملاً بی‌ثبات روبه‌رو هستیم؛ انقلاب مشروطیت، جنگ جهانی اول و اشغال ایران، مبارزات و قیام سیاسی و ملی مردم در زمان جنگ و سال‌های پس از آن و بالاخره کودتای سوم اسفند ۱۲۹۹ و عواقب و اتار اینبار این رخدادها، تمامی مانع از طرح‌ریزی اصول مدون جهت‌گیری سیاست خارجی گردید. دوره دوم، یعنی ۱۶ سال سلطنت پهلوی اول (۱۳۲۰-۱۳۰۴) را به صورت خلاصه به دو مرحله تقسیم می‌کنند: ۱۳۰۴-۱۳۱۲ با سرفصل عادی‌سازی در روابط ایران با سایر کشورها، بویژه با کشورهای همسایه و مرحله ۱۳۱۲-۱۳۲۰ اتحاد و ائتلاف ایران با رایش سوم تقسیم می‌کنند. البته برخی از مورخان و تاریخ‌نگاران ایرانی از شروع جنگ جهانی دوم در شهریور ۱۳۱۸ تا اشغال ایران توسط قوای نظامی روسیه و انگلستان در شهریور ۱۳۲۰ به تبع سیاست رسمی رضاشاه از سرست به بررسی تاریخ ایران صحبت می‌کنند. ولی به باور نگارنده و براساس اسناد و مدارک موجود سیاست خارجی ایران در این سال‌ها، استمرار و تداوم همان سیاست اتحاد و ائتلاف با رایش سوم است.<sup>۱</sup>

سیاست و روابط خارجی ایران در ۳۷ سال سلطنت پهلوی دوم را می‌توان با اکراه در سه مرحله مورد بررسی قرار داد. ۱- سال‌های جوانی شاه و بی‌ثباتی سیاسی جامعه در

۱. در این زمینه رجوع شود به: علیرضا ازغندی، روابط خارجی ایران ۵۷-۱۳۲۰، چاپ شانزدهم، تهران، نشر قومس، ۱۳۹۳.

سال‌های ۱۳۳۰-۱۳۲۰، که به رغم دارا بودن روابط با کشورهای دیگر، البته متأثر از منافع قدرت‌های برتر خارجی، دستگاه حکومتی فاقد اصول سیاست خارجی مدون است. ۲- دوران بسیار کوتاه صدارت محمد مصدق، از خرداد ۱۳۳۰ تا مرداد ۱۳۳۲ که با ساختار سیاسی تجدیدطلب دموکراتیک در داخل و پیروی از سیاست موازنه منفی با جهان خارج مشخص می‌گردد. رفتار خارجی حکومت در این سال‌ها در واقع خارج از قواعد ساختار بین‌المللی است. ۳- جهت‌گیری سیاست و روابط خارجی ایران در سال‌های بین کودتای ۱۳۳۲، انقلاب اسلامی ۱۳۵۷ براساس واقع‌گرایی است، یعنی از سیاست اتحاد و ائتلاف پیروی می‌نمند؛ بدین خاطر وضعیت رفتار خارجی حکومت در این سال‌ها منطبق بر قواعد ساختار بین‌المللی است. ساختار سیاسی داخلی اقتدارگرای بوروکراتیک اقتضا می‌کرد که حکومت برای ماندگاری سیاست خارجی، خود را با تحولات دگرگون‌ساز در روابط بین‌الملل هماهنگ سازد و به سبب این، تحت عنوان سیاست مستقل ملی روی آورد، که در نهایت به گسترش مناسبات هم‌حالی با کشورهای غربی با تأکید بر روابط استراتژیک با آمریکا و عادی‌سازی روابط با اسرائیل انجامید.

وقوع انقلاب سال ۱۳۵۷ و استقرار نظام جمهوری اسلامی، سیاست و روابط خارجی محمدرضاشاه را کاملاً دگرگون ساخت. این گامی البته نه تنها از آن جهت است که ساختار سیاسی دچار تحول گسترده و بنیادین شد، بلکه همچنین به خاطر ظهور بازیگران سیاسی جدیدی در صحنه سیاسی و نوع نگرش بسیار منفی نسبت به سرشت و ماهیت نظام بین‌المللی می‌باشد. بعلاوه، سیاست خارجی جمهوری اسلامی برخلاف سیاست خارجی حکومت‌های عصر مشروطیت، برگرفته از آرمان‌های ائتلاف و شدیداً بر اصول مکتبی-شیعی متکی است. شخصیت‌محوری و جهان‌شمونی از عصر سادات بارز و مهم دیگر سیاست خارجی جمهوری اسلامی است. بدین معنی نقش بسیار بینگننده رهبری در فرآیند تصمیم‌گیری و اجرایی، تعقیب اهداف فراملی، بی‌ثباتی سیاسی مستقر داخلی و نگاه عمدتاً امنیتی کارگزاران حکومتی به نظام بین‌الملل و بازیگران اصلی آن، از دیگر ویژگی‌های سیاست خارجی جمهوری اسلامی به شمار می‌آیند. ذکر این نکته نیز ضروری است که اهداف فراملی تنها در کشورهای سنتی-ایدئولوژیک نمود دارد، که با توجه به ایده‌ها و آرمان‌های مکتبی حاکم بر جامعه، با دید وسیع‌تر از تأمین منافع ملی، احساس رسالتی فرامرزی می‌نمایند.

در مطالعه و تحلیل سیاست خارجی جمهوری اسلامی شاهد موضع‌گیری‌ها و رویکردهای مختلفی هستیم که تمامی آنها نشان از آن دارد که حوزه سیاست خارجی مقوله‌ای بسیار پیچیده است که هر تحلیل‌گر و محقق مسائل سیاسی را در تبیین سیاست

خارجی با مشکل مواجه می‌سازد. علت این پیچیدگی آن است که سیاست خارجی از متغیرهای متعدد ذهنی و عینی متأثر است و به عبارتی به صورت مستمر دارای خصلتی تلفیقی از آرمان‌های فلسفی و واقعیات عینی است و بین لحاظ کردن منافع ملی و ملاحظات ایدئولوژیک گرفتار شده است. جمهوری اسلامی با تعریف خود به اسلامی بودن، موظف شده تا عناصر دینی و ایدئولوژیک را در جهت‌گیری سیاست خارجی بدون چون و چرا و کم و کاستی لحاظ نماید و از طرف دیگر با جهانی واقع‌گرا، تکاثرطلب روابط داشته باشد. بدین خاطر غیر مترقبه و دور از انتظار نیست که با هر تغییر کابینه و جابجایی مجریان اصلی، دستگاه دیپلماسی شاهد گذار سیاست خارجی جمهوری اسلامی از نفی کامل و ستیز چوبان نظام بین‌المللی به رفتار مدارا و مصلحت‌آمیز با آن و از دشمنی با بخش قابل توجهی از اعضا اصلی جامعه بین‌الملل به همکاری با شمار زیاد دیگر باشیم. بویژه آن که نظام سیاسی رزمناز تشکیل کابینه محمود احمدی‌نژاد با دوری از عرف جهانی و محیط بین‌المللی و دست بردار از اصول اولیه انقلاب در داخل، دوران جدیدی از زندگی سیاسی خود را آغاز کرد. به هر حال فراغ از ارزش‌گذاری درباره خصوصیات مورد اشاره و تلاطم‌های موجود در اندیشه و رفتار کارگزاران دستگاه دیپلماسی بررسی ابعاد مختلف موضوعات مطروحه، یکی از محورهای مهم این اثر در باب سیاست خارجی جمهوری اسلامی است.

در هر حال اگر بپذیریم که جهت‌گیری سیاست خارجی ماهیتی اساساً مدرن و غربی دارد، آیا کاربست مفاهیم و نظرات دستگاه اندیشه مدرن برای دولت غیر مدرن، سنتی-ایدئولوژیک امکان‌پذیر است؟ آیا سیاست خارجی - مهمی اسلامی را باید با نگاهی درون‌جامعه‌ای و شخصیت‌محور و یا در چارچوب مناسب روابط بین‌الملل مورد بررسی قرار داد؟ تعیین اهداف و فرآیند تصمیم‌گیری در نظام جاری، اسلامی چگونه است و براساس اصول مندرج در قانون اساسی در مواجهه با چالش‌ها و بحران‌ها، پیش روی آن چگونه باید برخورد و اتخاذ تصمیم کرد؟ آیا سیاست خارجی جمهوری اسلامی متأثر از اصول ثابت قانون اساسی، روندی مستمر دارد یا اینکه با تغییر کابینه‌ها و جابجایی کارگزاران دستگاه دیپلماسی دستخوش تغییرات دائمی است؟ و بالاخره آیا تحقیقات و تألیفاتی که تاکنون با عنوان سیاست خارجی انجام گرفته، توانسته‌اند به سؤالات فوق پاسخ دهند و اصولاً این منابع از چه رویکردی بهره گرفته و متأثر از چه معرفتی می‌باشند؟

این کتاب تلاش دارد در شش بخش برای سؤالات مطرح‌شده پاسخی مناسب بیابد. در بخش اول، جهت‌گیری‌های سیاست خارجی ایران در شرایط زمانی مختلف و با نگاه

درون جامعه‌ای مورد بررسی قرار می‌گیرند. می‌خواهیم بدانیم که سیاست خارجی «نه شرقی، نه غربی، جمهوری اسلامی» با موازنه منفی و موازنه مثبت که در شرایط مشخصی از تاریخ سیاسی معاصر ایران به مثابه جهت‌گیری سیاست خارجی دنبال شده‌اند، چه نکات اشتراک و افتراق نظری و عملی دارا می‌باشند. در بخش دوم، با بهره‌مندی از مبانی نظری سیاست خارجی و مکاتب مختلف روابط بین‌الملل، جهت‌گیری‌های سیاست خارجی و رفتار کارگزاران دیپلماسی ایران در دو دوره ریاست جمهوری اکبر هاشمی رفسنجانی و محمد خاتمی مورد مذاقه قرار می‌گیرند و میزان سازگاری این جهت‌گیری‌ها با مبانی و اصول سیاست خارجی ارزیابی می‌شوند. در بخش سوم به بررسی پدیده جهانی شدن به مثابه یکی از مهمترین سبب‌ها تأثیرگذار بر روابط خارجی کشورها از جمله ایران خواهیم پرداخت. با توجه به این که سیاست خارجی دولت نهم و دهم از بابت مبانی نظری آن و هم از جنبه رفتاری و کارکردی کارگزاران هم از حیث ادبیات به کار گرفته شده دیپلمات‌های ایران در گفتگوهای سیاسی داخلی و بیرونی منحصراً به فردی است، لذا سیاست خارجی دولت محمود احمدی‌نژاد را در فصول جداگانه‌ای، یعنی در بخش چهارم مورد بررسی قرار داده‌ایم. پی‌جویی عوامل تأثیرگذار بر فرایند تصمیم‌گیری و اجرای سیاست خارجی از جمله موضوعات مهمی است که از دیرباز ذهن تحلیل‌گران این سیاسی را به خود مشغول داشته است. به عبارت دیگر در روند سیاست خارجی متغیرهای متعددی از جمله مبانی اعتقادی، شرایط ژئوپلیتیک، ساختار و ماهیت نظام بین‌المللی، جمعیت و ترکیب آن و نیازمندی‌های جامعه تأثیرگذارند. این کتاب، ضمن پذیرش نقش تعیین‌کننده این متغیرها در فرایند تصمیم‌گیری و اجرایی سیاست خارجی بر ماهیت و نقش تحولات بین‌المللی (از جمله جهانی شدن اقتصاد و فرهنگ) و تشکیلات و مجریان اصلی و سیاست‌های وزارت امور خارجه تأکید دارد. بدین خاطر در بخش بعدی تحت عنوان گونه‌شناسی نخبگان، به مبانی اجتماعی و ویژگی‌های مأمورین عالی‌رتبه وزارت خارجه و تغییر و تحولات اداری و سازمانی دستگاه دیپلماسی مورد بررسی قرار می‌گیرند. و بالاخره در بخش ششم سعی می‌شود، منابع موجود در باب سیاست خارجی مورد تجزیه و تحلیل قرار گیرد، تا مشخص شود کدام یک از معرفت‌ها و رویکردها، تحصیلی یا تأویلی بر این آثار غالب هستند.

در پایان وظیفه خود می‌دانم از همکاران فرزانه‌ای که در بازنگری کتاب اینجانب را یاری رساندند و نیز از کارکنان سخت‌کوش نشر قومس، آقایان مهدی عباسی و احمد خدابخش مقدم که در ویراستاری و آماده‌سازی چاپ این کتاب زحمات زیادی متحمل شدند، صمیمانه تشکر و قدردانی نمایم.